

تحلیل ابعاد به مثابه روشی برای پژوهش در «شهر اسلامی»

بهادر زمانی^۱، احسان بابائی سالانقوج^۲ * (نویسنده مسئول)

^۱ دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان
^۲ دانش آموخته دکتری شهرسازی اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

(تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۰۵)

چکیده

آشنایی با امکانات و توانمندی های نظام پژوهش کیفی و راهبردهای خاص آن همچون نظریه زمینه‌ای به منظور تولید دانش و دگرگین و آفرینش نظریه‌های معتبر علمی با هدف ارتقای سطح آگاهی از واقعیت‌ها و کمک به پیش‌بینی و حل مسائل موجود شهر و شهرسازی اسلامی ضرورت دارد. نظریه زمینه‌ای به عنوان یکی از راهبردهای روش کیفی در دهه‌های اخیر دارای خوانش‌های گوناگونی شده است. تحلیل ابعاد یکی از خوانش‌های نظریه زمینه‌ای است که توسط شاتزمن ابداع و در نظام‌های علمی و رشته‌های گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است با این حال این روش با وجود قابلیت‌های آن در پژوهش‌های شهری کاربست کمتری داشته است. مقاله حاضر قابلیت‌های این روش را برای پژوهش به طور عام و پژوهش در مورد شهر اسلامی به طور خاص نشان می‌دهد. بر این اساس پاسخگویی به دو سوال مورد نظر است: فرایند و قابلیت روش تحلیل ابعاد چیست؟ بر اساس امکانات و قابلیت‌های روش تحلیل ابعاد، این روش تا چه اندازه برای پژوهش درباره شهر اسلامی قابلیت کاربست دارد؟ مقاله در دو بخش اصلی سازمان یافته است. در بخش نخست، پیشینه، بنیادهای فلسفی و مبانی نظری و مراحل و گام‌های روش تحلیل ابعاد مورد بحث قرار گرفته و کوشش شده تا امکانات و قابلیت‌های این روش برای پژوهش مورد بحث قرار گیرد. در بخش دوم مقاله این روش برای یک نمونه پژوهش در حوزه مطالعات شهری مورد استفاده قرار گرفته است. در این قسمت انگاره شهر اسلامی در اندیشه متفکران و اندیشمندان گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته و سعی شده ابعاد و شیوه‌های متعدد مورد استفاده برای بر ساخت این انگاره بررسی و چارچوبی تبیینی در این خصوص ارائه شود. نتایج این بخش شش مدل مشخص از شهر اسلامی در متون و روایت‌های مربوطه شامل مدل سکونتگاه (و نه شهر) اسلامی؛ مدل شهری زمان؛ مدل کالبدی؛ مدل شهر مسلمانان؛ مدل تمدن اسلامی؛ مدل شهر قلمرو مسلمانان را به دست می‌دهد. یافته‌های این پژوهش ضمن تاکید بر فواید و سودمندی تحلیل ابعاد برای پژوهش‌های شهری، هر گونه استفاده از این روش را - همچون سایر روش‌های کمی و کیفی - مستلزم توجه به هماهنگی و تناسب میان ویژگی‌های روش و جنبه‌های گوناگون پژوهش و به طور خاص اهداف پژوهش و سبک شناختی پژوهشگر می‌داند.

واژگان کلیدی: روش کیفی، نظریه زمینه‌ای، تحلیل ابعاد، شهر اسلامی.

مقدمه

مروری گونه‌شناختی بر روش‌شناسی مطالعات مربوط به شهر و شهرسازی در ایران، ابتدای بیشتر مطالعات شهری بر نظام پژوهش کمی و اثبات‌گرا و منتهی به نظریه‌آزمایی در مقایسه با پژوهش‌های بنیادین مبتنی بر نظام پژوهش کیفی، استقرایی و منجر به نظریه‌آفرینی را نشان می‌دهد. یکی از دلایل این امر در کنار دیگر عوامل، عدم آشنایی ضعف روش‌شناختی در کاربست راهبردهای پژوهش کیفی است. از این رو آشنایی با امکانات و توانمندی‌های نظام پژوهش کیفی و راهبردهای خاص آن همچون نظریه‌زمینه‌ای، پدیدارشناسی و قوم‌نگاری به منظور تولید دانش و دکترین و آفرینش نظریه‌های معتبر علمی با هدف ارتقای سطح آگاهی از واقعیت‌ها و کمک به پیش‌بینی و حل مسائل موجود شهر و شهرسازی اسلامی ضرورت دارد.

در حوزه برنامه‌ریزی شهری نیز، روش‌های کمی شناخته شده‌تر هستند و به عنوان ابزارهای مورد استفاده پژوهشگران به رسمیت شناخته شده‌اند. در مقابل هنوز امکانات روش‌های کیفی به عنوان ابزارهایی مهم در برنامه‌ریزی شهری به طور کامل شناخته نشده است. این مسئله تا اندازه‌ای از شرایط موجود در زمان پیدایش و شکل‌گیری برنامه‌ریزی شهری به عنوان یک نظام علمی منتج شده است، در آن زمان برنامه‌ریزی به عنوان مجموعه‌ای از اعمال برای کاربست منطق علمی و تکنیکی برای حل مسائل اجتماعی ترویج و تاکید می‌شد. امروزه با گذشت زمان، بدگمانی نسبت به روش‌های کیفی در برنامه‌ریزی شهری کمتر شده و این روش‌ها به تدریج به عنوان ابزارهایی معتبر برای پژوهش پذیرفته شده‌اند. بر این اساس بحث بر سر اعتبار این روش‌ها به استدلال‌های گوناگون در خصوص سودمندی آن‌ها و تصمیم‌گیری در خصوص بهترین تکنیک‌ها برای اطمینان از دقت و اعتمادپذیری پژوهش معطوف شده است (Thompson, 2006: 20). یکی از روش‌های کیفی که امروزه هر چه بیشتر در برنامه‌ریزی شهری و نظام‌های علمی وابسته مورد استفاده قرار گرفته، روش نظریه‌زمینه‌ای است (Bollo & Collins, 2017). نظریه‌زمینه‌ای روشی برای خلق نظریه از داده‌ها است که به صورت گسترده‌ای در نظام‌های علمی مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. گلنزر و اشتراوس (Glaser & Strauss, 1967) به عنوان بنیان‌گذاران نظریه‌زمینه‌ای آن را به عنوان "کشف نظریه از داده‌ها" تعریف کرده‌اند که در خلال فرایندی نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند. روش پیشنهادی آن‌ها به جای نظریه‌آزمایی به دنبال نظریه‌آفرینی در مورد موضوعات حائز اهمیت در زندگی مردم است. "این کار در فرایندی انجام می‌شود که اغلب دارای ماهیت استقرایی است، از آن روی که هیچ ایده از پیش تعیین شده‌ای برای تایید یا ابطال ندارد" (Mills, et al., 2006: 2-3) و بدین ترتیب "با خلق نظریه به صورت قیاسی و بر اساس پیش‌فرض‌های قبلی در تضاد است" (Glaser & Strauss, 1967: 3).

نظریه‌زمینه‌ای در طول زمان شاهد استحاله و تغییرات مختلفی

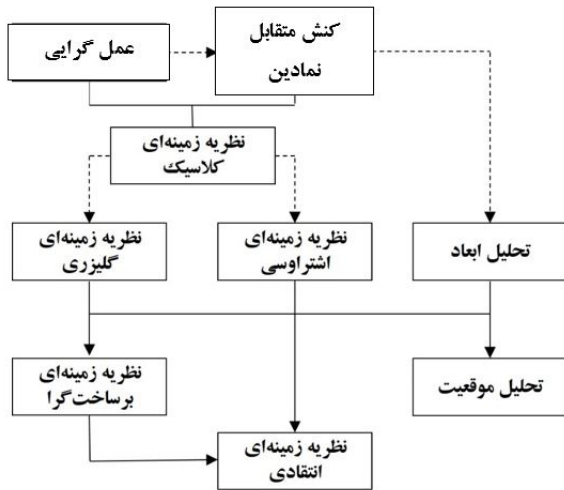
بوده و رویکردها و خوانش‌های گوناگونی نسبت به آن شکل گرفته است. یکی از این خوانش‌ها، تحلیل ابعاد است که توسط لئونارد شاتزمن^۱ ابداع و ارائه شده است. تحلیل ابعاد همانند نظریه زمینه‌ای در پی خلق نظریه از داده‌ها است با این تفاوت که به جای مقرر داشتن یک سلسله‌مراتب برای فاکتورها و عوامل دخیل در پدیده یا موقعیت مورد بررسی و پرسش از اینکه «مهم‌ترین چیز در اینجا کدام است؟»، در پی پاسخ به پرسش از «همه آنچه در اینجا دخیل است»^۲ می‌باشد. بدین ترتیب با خلق یک محیط پژوهشی که در آن مشارکت کنندگان در پژوهش به وسیله خود جهات پژوهش - و نه پرسش‌های پژوهشگر - هدایت می‌شوند، امکان آشکارسازی داده‌های غیرمعمول و پیش‌بینی نشده را فراهم می‌آورد (McCarthy et al., 2004: 953). افزون بر آن تحلیل ابعاد به صراحت مهارت‌های تحلیلی پیچیده‌ای که توسط همه ما در زندگی روزمره به کار گرفته می‌شود را به رسمیت شناخته و مورد استفاده قرار می‌دهد و این مهارت‌ها را با امر خطیر پژوهش سازگار می‌کند.

شاتزمن از میانه دهه ۶۰ میلادی تدریس و تکمیل تحلیل ابعاد را آغاز نمود اما انتشار نخستین اثر مکتوب در خصوص این روش تا سال ۱۹۹۱ به تاخیر افتاد (Schatzman, 1991) در نتیجه تحلیل ابعاد در ادبیات پژوهش کیفی حضور کم‌رنگی داشته و روش بدیع شاتزمن تا حد زیادی ناشناخته باقی مانده است. اگرچه در سالیان اخیر پژوهش‌های مختلف انجام شده درباره و با استفاده از این روش در حوزه‌های غیرشهرسازی افزایش یافته است، با وجود بهره‌گیری از سایر خوانش‌های نظریه‌زمینه‌ای در پژوهش‌های شهری (Allen & Davey, 2017; Simeon, et al., 2017; Nordwall & Olofsson, 2013; Faehnle et al., 2014; Dunne, 2011; VandeMeene, et al., 2011; McGrath, 2013; Salin & Pessa, 2017; Bonhman & Wilson, 2012; Wamsler, 2016) روش تحلیل ابعاد کاربست گسترده‌ای در پژوهش‌های شهری نداشته است و از این رو مورد توجه و کاربست پژوهش حاضر قرار گرفته است. هدف این مقاله واکاوی روش تحلیل ابعاد و قابلیت کاربست آن برای پژوهش به ویژه پژوهش درباره شهر اسلامی است. مقاله به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود، در بخش نخست پیشینه، بنیادهای فلسفی و مراحل و گام‌های تحلیل در روش تحلیل ابعاد تشریح و تلاش می‌گردد تا تصویری روشن از ویژگی‌ها و امکانات این روش به دست داده شود. در بخش دوم و به عنوان نمونه‌ای از کاربرد تحلیل ابعاد در پژوهش‌های شهری، به بررسی ویژگی‌های و خصوصیات شهر اسلامی با استفاده از این روش اقدام می‌شود.

پیشینه تحلیل ابعاد

شاتزمن در شکل‌گیری اولیه نظریه زمینه‌ای مشارکت نداشت اما به عنوان یکی از همکاران گلنزر و اشتراوس در دانشگاه کالیفرنیا به مدت بیش از بیست و پنج سال به تدریس پژوهش

نسخه سیستماتیک اشتراوس و کوربین (Strauss & Corbin, 1990); نسخه برساخت‌گرای چارمز (Charmaz, 1998; Strauss, 1993); نسخه تحلیل موقعیت کلارک (Clarke, 2005); نسخه تحلیل ابعاد در میان سایر خوانش‌های نظریه زمینه‌ای را نشان می‌دهد. برخی شباهت‌ها و تمایزات تحلیل ابعاد با سایر خوانش‌ها نیز در جدول ۱ ارائه شده است.



شکل شماره ۱: جایگاه تحلیل ابعاد در میان خوانش‌های گوناگون نظریه زمینه‌ای؛ مأخذ: Hadley, 2017, 53

میدانی و راهنمایی دانشجویانی مشغول بود که در رساله خود از روش نظریه زمینه‌ای بهره می‌بردند. نقد اصلی شاتزمن به نظریه زمینه‌ای این بود که این روش اعمال دخیل در فرایند کشف نظریه زمینه‌ای را آشکار نمی‌نماید (Shankar & Goulding, 2001: 11). وی معتقد بود دانشجویان اغلب به مقایسه میان روش تدریس شده (نظریه زمینه‌ای) با شیوه مواجهه معمول و طبیعی با مشکلات و مسائل روزمره می‌پردازند. در نتیجه این مقایسه، آن‌ها اغلب احساس می‌کنند که نظریه زمینه‌ای چیز زیادی در خصوص چگونگی انجام تحلیل بیان نمی‌کند؛ دانشجویان به طور طبیعی مایل‌اند که در فرایند درک، نظم‌بخشی و تحلیل داده‌ها با و از دریچه پارادایم‌ها به مسئله نگاه کنند، مسئله‌ای که ریشه در دانش پیشینی دارد؛ بدین ترتیب تلقی بیشتر دانشجویان این است که روش نظریه زمینه‌ای هیچ پارادایم فراگیری - چه ماهوی و چه روش‌شناختی - به عنوان راهنما در فرایند نظریه‌پردازی ارائه نمی‌کند (Schatzman, 1991: 305). بر این اساس شاتزمن به ابداع تحلیل ابعاد پرداخت که می‌توان آن را به عنوان روشی جایگزین برای نظریه‌پردازی زمینه‌ای توصیف کرد که با هدف صورت‌بندی بهتر و تبادل نظر در خصوص فرایند کشف در پژوهش کیفی به کار می‌رود.

تحلیل ابعاد و نظریه زمینه‌ای شباهت‌های بسیاری با یکدیگر دارند، با این حال بررسی روندهای مربوطه نشان از تفاوت‌ها و تمایزات این روش با نسخه پیشنهادی اشتراوس و گلیزر و نسخه‌های بعدی، از جمله نسخه کلاسیک گلیزر (Glaser, 1992; 1998; 2001; 2007)،

جدول ۱: شباهت‌ها و تمایزات نظریه زمینه‌ای و تحلیل ابعاد

تحلیل ابعاد	نظریه زمینه‌ای متعارف
برساخت‌گرا/نسبی‌گرا و تفسیری	معرفت‌شناسی: اثبات‌باور/واقع‌گرا تا برساخت‌گرا (در نسخه‌های گوناگون)
بنیاد فلسفی: کنش متقابل نمادین	بنیاد فلسفی: کنش متقابل نمادین
پرسش اصلی: پرسش از «همه» آنچه در اینجا در جریان است	پرسش اصلی: پرسش از فرایند اجتماعی پایه
ماتریس تبیینی به عنوان زیربنای تحلیل (چارچوبی به دست می‌دهد که به وسیله آن تحلیل از توصیف فراتر رفته و به قلمروی تبیین گام می‌گذارد)	ماتریس و مدل پارادایمی به عنوان ابزاری برای کدگذاری داده‌ها (یکی از فرایندها در کدگذاری محوری؛ یکی از تکنیک‌های متعدد در نظریه زمینه‌ای برای توسعه و مرتبط ساختن مقوله‌ها)
کشف معنای تعاملات مشاهده شده در پدیده یا موقعیت مورد بررسی و برساخت پدیده یا موقعیت مورد مطالعه	هدف فرایند تحلیل دستیابی به یک توصیف نظری از فرایند اجتماعی پایه است که برای مشارکت کنندگان در پژوهش از بیشترین اهمیت برخوردار است
پیش فرض اصلی: شناسایی اجزای یک «کل»، دستیابی به نگرشی گسترده‌تر نسبت به پیچیدگی‌های آن	پیش فرض اصلی: وجود حقایق عام و قابلیت تعمیم
برساخت یا بازسازی بدیع و مجدد مولفه‌های متعدد یک پدیده اجتماعی پیچیده	ارائه روایت‌های برجسته یا نظریه رسمی
ابعادی کردن/تحلیل طبیعی	مقایسه مداوم به عنوان زیربنای تحلیل
اعمال پژوهشی به صورت همزمان و در تعامل با یکدیگر	توالی خطی اعمال پژوهشی
مراحل: ۱. ابعادی کردن؛ ۲. تفکیک؛ ۳. یکپارچه‌سازی	مراحل: ۱. کدگذاری باز؛ ۲. کدگذاری محوری؛ ۳. کدگذاری گزینشی
چرخه‌ای از استقرا و قیاس	استقرا محض تا استفهام (در نسخه‌های گوناگون)
پژوهشگر در خصوص پدیده یا موقعیت مورد بررسی نسبت به مطلعین، اطلاعات کمتری دارد اما توانایی شناخت و آموختن را دارد	پژوهشگر به عنوان متخصص اما با ذهنی باز و خالی
دستیابی به حساسیت نظری به عنوان یکی از اهداف	دستیابی به حساسیت نظری به عنوان یکی از اهداف
کانون تحلیل: ابعادی کردن و ترسیم دیاگرام توسط ماتریس تبیینی	کانون تحلیل: کدگذاری، مقوله‌بندی و ترسیم دیاگرام تحلیل
بازاندیشی مورد توجه است، از ابتدای پژوهش تا گزینش چشم‌انداز و ترسیم ماتریس تبیینی	بازاندیشی مورد توجه نیست

مأخذ: نگارندگان

بنیادهای فلسفی و زیربناهای نظری روش تحلیل ابعاد

نظریه زمینه‌ای ریشه در کنش متقابل نمادین داشت، رویکردی که بر معانی پیشامدها برای مردم در بستر طبیعی تمرکز دارد (Parsley-Crotteau, et al., 2001). این رویکرد توسط جرج هربرت مید توسعه یافت و بر سه پایه اصلی بنا شده است: "کنش انسان‌ها نسبت به پدیده‌های پیرامون‌شان مبتنی بر معانی‌ای است که آن پدیده‌ها برای آن‌ها دارند؛ این معانی از تعاملات اجتماعی مشخص با همتایان ناشی می‌شود؛ معانی در فرایند تفسیر و در طی مواجهه شخص با پدیده‌ها اصلاح، تعدیل و سازماندهی می‌شوند" (Blumer, 1969: 2). کنش متقابل نمادین، که تا اندازه‌ای به عنوان نقدی بر جامعه‌شناسی کارکردگرا به عنوان رویکرد مسلط در اوایل قرن بیستم توسعه یافت، بسیاری از پیش فرض‌های اثبات‌باور کارکردگرایی را رد می‌کند و تاکید و تمرکز آن بر زمینه، هم در نظریه و هم در روش است. بر این اساس کنش متقابل نمادین در پی آزمون تجربی نظریه‌های قیاسی و رها-از-زمینه با هدف پیش‌بینی و کنترل نیست بلکه به دنبال توسعه نظریه‌ای طبیعت‌گرایانه، برخاسته از زمینه و وابسته به زمینه در فرایندی مقایسه‌ای و چرخشی است (Jacobson, 2001: 249).

مشابه با نظریه زمینه‌ای، بنیادهای فلسفی تحلیل ابعاد در کنش متقابل نمادین قرار دارد. بر این اساس فرایند کشف «همه آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد» به عنوان پرسش اصلی در روش تحلیل ابعاد در رویکرد کنش متقابل نمادین ریشه دارد که در آن تفکر امری دانسته می‌شود که به وسیله تعاملات فرد با داده‌ها هدایت شده و در واقع بازتابی است از این تعامل (Schatzman, 1991). پیش فرض کلیدی این روش این است که پدیده یا موقعیت مورد بررسی به صورت اجتماعی بر ساخته شده، در یک بستر خاص واقع شده و از یک چشم‌انداز معین تعریف می‌شود (Van Clea et al., 2013: 3). چشم‌انداز تفکر تحلیلی بر پیشامدها در قلمروی طبیعی متمرکز است، جایی که تعاملات انسانی در آن‌ها رخ می‌دهد. هدف تحلیل ابعاد به جای کشف فرایند اجتماعی پایه - به عنوان پرسش اصلی در نظریه زمینه‌ای - عبارت است از کشف معانی این تعاملات که موقعیت را خلق می‌کنند (Robercht, 1995: 172). از سوی دیگر تحلیل ابعاد بر پایه نظریه «تحلیل طبیعی^۴» بنا شده است. تحلیل طبیعی دیدگاهی نسبت به تحلیل است که شاتزمن آن را یکی از فرایندهای فرعی تفکر می‌داند که همراه با زبان، در نخستین مراحل زندگی اجتماعی آموخته می‌شود و در مواجهه با مسائل و در هنگام نیاز به اقدام از آن بهره گرفته می‌شود (Schatzman, 1991: 305). بر این اساس تحلیل ابعاد روشی برای انجام پژوهش است که در واقع می‌توان آن را بسط فرایند تحلیل طبیعی دانست به طوری که در تحلیل طبیعی به صورت شهودی برخی از اعمال تشریح شده ذیل روش تحلیل ابعاد انجام می‌شود. این امر بدون شناخت نسبت به فرایند مربوطه و بدون آگاهی از چگونگی و چرایی این اعمال انجام می‌شود. در تحلیل طبیعی وقتی فرد به داستانی گوش می‌دهد،

ویژگی‌های آن را، آن‌چنان که توصیف شده، مورد مذاقه قرار می‌دهد و کوشش می‌کند تا اعمال گوناگون انجام شده را در ارتباط با بستر، شرایط و پیامدها مورد بررسی قرار دهد. آنچه شنونده به عنوان موضوع اصلی در داستان تشخیص داده بیانگر یک نقطه نظر، یا یک چشم‌انداز^۵ است (Robercht, 1995: 172).

گرچه هدف اولیه تحلیل ابعاد بهبود صورت‌بندی و فراهم آوردن امکان تبادل نظر در خصوص فرایند کشف نظریه در پژوهش کیفی بود اما در ادامه پژوهشگران مختلف (از جمله McCarthy, 2003a; McCarthy, 2003b; Kools et al., 1996) تحلیل ابعاد را به عنوان جایگزینی برای روش مقایسه مداوم در نظریه زمینه‌ای ارائه و معرفی نمودند. شاتزمن از آغاز تحت تاثیر توانمندی نظریه زمینه‌ای برای انجام تحلیل مقایسه‌ای قرار گرفته بود و این موضوع را یکی از برتری‌های آن نسبت به سایر روش‌هایی می‌دانست که به وسیله نظریه هدایت می‌شوند، با وجود این معتقد بود که به رغم سودمندی مقایسه "به نظر می‌رسد این روش پیچیدگی و ظرافت استدلال تحلیلی را به حداقل می‌رساند" (Bowers & Schatzman, 2009: 90). از دید وی تحلیل مقایسه‌ای به صورت تلویحی ابعاد و ارزش‌های نسبت داده شده به آن‌ها را در خود جای داده است اما تمرکز بر مقایسه باعث شده تا طیف گسترده‌ای از فرایندهای تحلیلی نادیده گرفته شوند. از سوی دیگر اگرچه مقایسه مداوم متضمن رابطه نزدیک و پیوسته پژوهشگر و موضوع مورد بررسی قلمداد شده است (Suddaby, 2006: 640) شاتزمن معتقد است که تمرکز زود هنگام بر مقایسه در روش نظریه زمینه‌ای، پژوهشگر را در بیرون از داده‌ها جای داده و به توسعه ابعادی خارج از داده‌ها منجر می‌شود و نهایتاً درک پژوهشگر از پدیده مورد مطالعه را محدود می‌نماید (Bow-ers & Schatzman, 2009). بنابر نظر شاتزمن اتخاذ رویکردی گسترده‌تر به تحلیل (یعنی چیزی فراتر از تحلیل مقایسه‌ای) و پرسش از «تمامی» آنچه دخیل است، طیف گسترده‌ای از ابعاد مرتبط با پدیده مورد مطالعه را تولید کرده و مانع از نتیجه‌گیری زود هنگام می‌گردد و پیش از انجام تحلیل مقایسه‌ای، پژوهشگر را به سمت ابعاد و ویژگی‌های پیچیده‌تر و غنی‌تر هدایت می‌کند. بدین ترتیب شاتزمن انگاره ابعادی کردن را به عنوان پایه‌ای نظری برای تعریف تحلیل ارائه داد که ریشه در تعامل‌گرایی نمادین و تحلیل طبیعی به عنوان بنیادهای فلسفی و زیربناهای نظری تحلیل ابعاد دارد. انسان‌ها در خلال آموختن زبان و در ضمن مشارکت در تعاملات اجتماعی، توانایی خود برای انجام تحلیل طبیعی را بهبود می‌بخشند و ویژگی‌های شناختی مربوط به ابعادی کردن را توسعه می‌دهند (Kools et al., 1996: 315).

مراحل/گام‌های تحلیل ابعاد

پژوهشگران کیفی همواره در معرض این نقد قرار داشته‌اند که نمی‌توانند به صورتی واضح فرایند تحلیلی منجر به خلق نظریه را صورت‌بندی نمایند. این مسئله سوالانی را در خصوص اعتبار و

اساس تحلیلگر پیش از الگودهی، نخست باید ملاحظات مختلف را شناسایی نماید (Schatzman, 1991: 311).

در مرحله ابعادی کردن پژوهشگر واژگانی را توسعه می‌دهد که اعمال شناختی لازم در طی تحلیل را ممکن می‌سازد. این تحلیل اولیه به خلق تعدادی بعد منجر می‌شود. یک بعد عبارت است از یک مفهوم انتزاعی به همراه ویژگی‌هایش که معیارها یا پارامترهای کمی و کیفی گوناگونی را برای هدف توصیف و تبیین پدیده یا موقعیت مورد بررسی به دست می‌دهد. بعدها در تحلیل ابعاد را می‌توان مشابه با مقوله‌ها در نظریه زمینه‌ای متعارف دانست (Lyndon, 2008: 15). هر یک از ابعاد، یکی از مولفه‌های پدیده یا موقعیت مورد بررسی است که توسط پژوهشگر شناسایی شده است. این ابعاد از زیر مقوله‌ها یا ابعاد فرعی را تشکیل می‌شوند. ابعاد فرعی دامنه ویژگی‌های هر یک از ابعاد را مشخص می‌کنند. در ادامه هر یک از ابعاد فرعی شناسایی شده به وسیله مجموعه ویژگی‌هایی که می‌توانند بپذیرند به صورت دقیق‌تری توصیف می‌شوند. تعیین اهمیت و کفایت ابعاد شناسایی شده باید تا زمان شناسایی یک «توده بحرانی»^۱ از ابعاد به تاخیر انداخته شود. توده بحرانی میزانی از داده‌هاست که بر اساس آن‌ها پژوهشگر به این باور می‌رسد که جنبه‌های عمده پدیده مورد بررسی در تحلیل انعکاس یافته است (Kools et al., 1996). قضاوت در خصوص اینکه چه تعداد از ابعاد، یک توده بحرانی را شکل می‌دهند بر اساس تجربه انجام می‌پذیرد. شاتزمن این مسئله را با استعاره‌ای از نقشه‌برداری توضیح داده است: "آن تعداد از مختصات و نشان‌ها که هم مسیر به سوی پدیده یا موقعیت مورد بررسی را معین کند و هم بتوان اهمیت آن‌ها را نسبت به یکدیگر تشخیص داد و به طور خاص معین کرد که کدامیک باید به عنوان چشم‌انداز و کدام‌ها به عنوان عمل/تعامل یا فرایند انتخاب شوند" (Schatzman, 1991: 312). در ابتدا ابعاد شناسایی شده تنها یک فهرست را شامل می‌شوند اما به زودی ابعاد و ویژگی‌هایشان به اندازه‌ای گسترش می‌یابند که نمی‌توان آن‌ها را با هم ترکیب کرد، در اینجاست که پژوهشگر می‌تواند سناریوهای تبیینی گوناگونی را بیازماید و پیرامون اهمیت ابعاد نسبت به یکدیگر و مکان آن‌ها در ماتریس به تفکر پردازد.

تفکیک

پس از این که در مرحله ابعادی کردن داده‌ها بسط یافتند، در مرحله تفکیک، تلاش برای محدود کردن داده‌ها صورت می‌گیرد. محدود کردن به وسیله یک بعد مرکزی یا چشم‌انداز انجام می‌شود که در ادامه برای جهت‌دهی هدفمند به تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد (Kools et al., 1996: 327). شاتزمن معتقد است که انسان محکوم به انتخاب است، باید چشم‌اندازی را برگزیند و از آن نقطه به مسائل مختلف بنگرد. در واقع در هر پژوهش مطلعین تنها می‌توانند داستان‌شان را از یک چشم‌انداز بیان کنند، چشم‌اندازی که ممکن است در زمان‌های مختلف متفاوت

تاییدپذیری یافته‌ها به وجود آورده بود. شاتزمن در روش تحلیل ابعاد به این دلمشغولی روش شناختی پاسخ داده و به دقت فرایند استخراج نظریه از داده‌ها را ترسیم می‌نماید. این روش در پی صورت‌بندی رویکردی نظام‌مند و ساختاریافته به پژوهش است که ضمن بهره‌گیری از ایده‌های کلیدی و اعمال اصلی روش نظریه زمینه‌ای به ماهیت نظام‌مند و در عین حال شهودی این روش وفادار بماند (Lyndon, 2008: 15). در این روش فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها در چرخه‌ای از استدلال‌های استقرایی و قیاسی انجام می‌شوند. این امر تا بررسی و بازبینی داده‌های کافی برای دستیابی به یک تبیین نظری غنی ادامه می‌یابد (Robercht, 1995: 175). رابطه تعاملی و پویا میان پژوهشگران و داده‌ها در این روش باعث شده تا تشریح فرایند انجام پژوهش در این روش، همچون سایر رویکردهای کیفی، با دشواری‌هایی همراه باشد. افزون بر آن در روش تحلیل ابعاد، تحلیل مطابق با مراحل مشخص و بر اساس گام‌ها یا فازهایی مجرد و منفک از یکدیگر انجام نمی‌پذیرد بلکه فعالیت‌های مرتبط با گردآوری و تحلیل داده‌ها به صورت همزمان، یا به صورتی چرخه‌ای صورت می‌گیرد. بیان خطی و متوالی مراحل مختلف در این نوشتار تنها با هدف ترسیم و تشریح فرایند صورت می‌پذیرد. بر این اساس فرایند تحلیل در تحلیل ابعاد را می‌توان در قالب سه مرحله (۱) ابعادی کردن؟ (۲) تفکیک؟ و (۳) یکپارچه‌سازی^۲ به شرح زیر تشریح کرد:

ابعادی کردن

ابعادی کردن نخستین مرحله از روش تحلیل ابعاد است که با هدف انتزاع نمودن جنبه‌های متعدد مشاهده شده در موضوع مورد بررسی انجام می‌پذیرد (Schatzman, 1991: 310). این مرحله شامل نام‌گذاری پاره‌های داده‌ها و بسط آن‌ها در قالب خصوصیات گوناگون، شامل ابعاد مختلف و ویژگی‌ها می‌باشد (Shankar & Goulding, 2001: 11). گرچه ابعادی کردن ظاهراً معادل کدگذاری باز (در نظریه زمینه‌ای) است اما از نظر عملیاتی با هم متفاوت‌اند. این تفاوت از آنجا ناشی می‌شود که در ابعادی کردن، بدون توجه به اینکه کدها از ساختار یا فرایند، بستر و یا شرایط، پدید آمده‌اند باید در ابتدا آن‌ها را به عنوان ابعاد متمایز تجربه شکل داد. بر این اساس، در ابعادی کردن تحلیلگر تنها به دنبال تجربیاتی است که به پرسش روش شناختی پاسخ می‌دهد؛ یعنی جستجو برای «همه» آنچه در اینجا دخیل است. این پرسش از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا این مرحله تنها در پی شناخت است و نه تعیین اهمیت و یا معنای چیزها. یکپارچه‌سازی و تعیین ارزش مفهوم‌ها در مراحل بعدی تحلیل انجام خواهند گرفت. در این مرحله از فرایند تحلیل، تمامی کدها شکل ابعادی به خود می‌گیرند که از دید تحلیلگر با پدیده یا موقعیت مورد بررسی مرتبط‌اند و در عین حال در تمامی نمونه‌ها حضور داشته و قابل پیگیری هستند. بدیهی است که هر پدیده یا موقعیت مجموعه‌ای خاص و متمایز از این ابعاد را دارد، بر این

باشد، اما هرگز بدون چشم‌انداز نیستند. پژوهشگر نیز می‌تواند تنها تحلیل را از یک چشم‌انداز خاص هدایت کند. بدون چشم‌انداز نمی‌توان به تحلیل اقدام کرد (Bowers & Schatzman, 2009). این چشم‌انداز نقشی کلیدی در فرایند تحلیل در روش تحلیل ابعاد بر عهده دارد زیرا همه چیز به لنز و چشم‌اندازی وابسته است که تحلیلگر بر اساس آن به پدیده یا موقعیت مورد بررسی می‌نگرد. توجه به چشم‌انداز یک ویژگی متمایز تحلیل ابعاد است و بر اساس آن این روش، نیاز به یک چارچوب نظری پشتیبان برای کمک به بساخت داستان را به رسمیت می‌شناسد. تحلیل ابعاد بر دانش و تجارب قبلی به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند تفکر تاکید می‌نماید. این مسئله دلایلی عملی دارد، زیرا گرچه نظریه زمینه‌ای استفاده از نظریات موجود به عنوان بنیادی برای تحلیل را رد می‌کند، اما در واقعیت یک پژوهشگر در فرایند درک یک پدیده اجتماعی پیچیده به سختی قادر است دانش روش‌شناختی یا ماهوی پیشینی خود را به تمامی کنار بگذارد (Shankar & Goulding, 2001: 12). از هر چشم‌انداز، پدیده یا موقعیت به گونه‌ای متفاوت به نظر می‌رسد یعنی ویژگی‌های آن تغییر می‌کند؛ میزان اهمیت ابعاد مختلف دیگرگون می‌شود؛ و پیامدهای متفاوتی به دنبال دارد (Jacobson, 2001: 249). با این حال خود چشم‌انداز نیز قابل تغییر است. "هر یک از ابعاد و ابعاد فرعی می‌توانند چنان اهمیتی یافته و به عنوان چشم‌انداز برگزیده شوند. در این صورت آن بعد می‌تواند برای تعیین اهمیت و جایگاه سایر ابعاد استفاده شود" (Schatzman, 1991: 311). تغییر چشم‌انداز، پدیده یا موضوع مورد بررسی را نیز متحول می‌کند، از این رو تحلیل ابعاد فرصت‌های بسیاری برای جایگشت‌های تحلیلی و تحلیل‌های جایگزین به دست می‌دهد. تحلیلگر وظیفه دارد تا از میان این گزینه‌ها مفیدترین و پربرترین را برگزیند. انتخاب چشم‌انداز از میان ابعاد گوناگون و پس از رسیدن به یک توده بحرانی از ابعاد انجام می‌شود. انتخاب شتابزده و نابهنگام یک بعد به عنوان چشم‌انداز، گردآوری و تحلیل داده‌ها را منحرف کرده و از حالت بی‌طرفی خارج می‌کند. در این شرایط احتمالاً پژوهشگر تنها چیزهایی را خواهد یافت که پیش‌تر انتظارش را دارد. در انتخاب چشم‌انداز، نخست پژوهشگر به هر یک از این ابعاد این امکان را می‌دهد که در جایگاه چشم‌انداز قرار بگیرد. بر این اساس "هر یک از ابعاد، حداقل برای زمانی کوتاه و با هدف بررسی شایستگی‌اش، باید بخت آن را بیابد که در جایگاه چشم‌انداز قرار گیرد" (Schatzman, 1991: 311). با این کار تمامی ابعاد شناسایی شده در یک موقعیت، فرصت برابری برای ظاهر شدن به عنوان چشم‌انداز راهنمای پژوهش و تاثیرگذاری بر تحلیل را به دست می‌آورند. در ادامه آن بعدی که می‌تواند به بهترین وجه دغدغه اصلی پژوهش را تبیین نماید به عنوان چشم‌انداز برگزیده می‌شود.

پس از انتخاب چشم‌انداز، تحلیلگر می‌تواند بررسی سناریوهای تبیینی مختلف را آغاز نماید. در این مرحله ابعاد گوناگون توسط

چشم‌انداز غالب هدایت شده و بر طبق آن به عناوین برجسته، مرتبط، حاشیه‌ای و غیرمرتبط تفکیک می‌شوند. در ادامه چشم‌انداز منتخب برای تعیین مکان تمامی ابعاد دیگر (به جز آن‌هایی که غیرمرتبط دانسته شده‌اند) در داخل ماتریس تبیینی به عنوان بستر، شرایط، فرایندهای و یا پیامدها استفاده می‌گردد. شکل ۲ فرایند انتخاب چشم‌انداز را نشان می‌دهد. ابعدی که توسط پژوهشگر نسبت به چشم‌انداز، پیرامونی تشخیص داده شوند، پیش‌زمینه یا بستر تبیین را شکل می‌دهند. سایر ابعاد، یا شرایطی هستند که عمل را متأثر کرده‌اند یا پیامدهای آن اعمال می‌باشند و بر این اساس در ماتریس تبیینی جای می‌گیرند.



شکل شماره ۲: انتخاب چشم‌انداز؛
مأخذ: Kools et al., 1996, 320

یکپارچه‌سازی

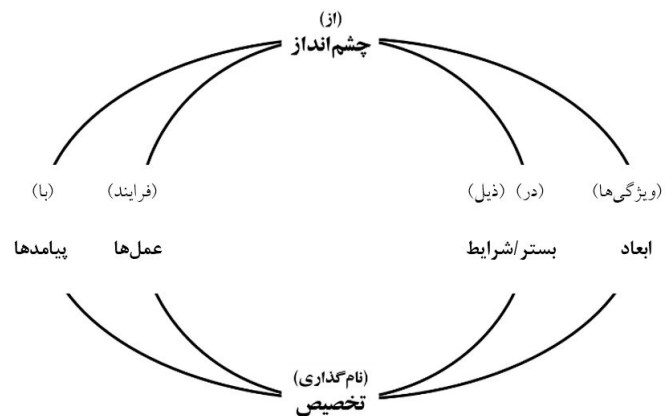
یکپارچه‌سازی ابعاد در قالب ماتریس تبیینی آخرین مرحله در فرایند تحلیل ابعاد است. در این مرحله تحلیلگر باید تکه‌های گوناگون ماتریس تبیینی که تا اینجا بر اساس دیدگاهی زمینه‌ای شناسایی شده‌اند را بازسازی نماید. پژوهشگر ابعاد مختلف را بر اساس چشم‌انداز مرکزی سازمان‌دهنده یکپارچه می‌نماید و بدین ترتیب الگوها و ارتباطات میان ابعاد مختلف تشریح و تبیین می‌شوند (Schatzman, 1986). هدف ماتریس تبیینی فراهم آوردن یک ساختار یا نگرش روش‌شناختی برای تحلیل و تبیین است. تبیین یا داستان، تحلیلگر را از روابط میان اعمال و پیامدهای آن‌ها تحت شرایطی مشخص، در یک بستر، مطلع می‌نماید (Shankar & Goulding, 2001: 12). مفهوم‌های مورد استفاده برای تلخیص پیشامدهای گوناگون که واقعیت را به تصویر می‌کشند، بیانگر

قابلیت کاربست روش تحلیل ابعاد برای پژوهش درباره شهر اسلامی

شهراسلامی از جمله مفاهیمی است که به دلیل ماهیت جامع‌الابعاد آن، پژوهشگران نظام‌های علمی گوناگون سعی در بررسی، تبیین و توصیف آن داشته‌اند. این انگاره یکی از مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با طراحی و برنامه‌ریزی شهری متناسب با ارزش‌ها، اصول و فرهنگ اسلامی است که تاثیر بسیاری بر مطالعات این عرصه داشته است. عرصه‌ای که در گسترده‌ترین مفهوم می‌توان آن را شهرسازی اسلامی نامید. با این همه، هنوز تبیین واحدی از ماهیت، ویژگی‌ها و مولفه‌های شهر اسلامی ارائه نشده است که نسبت به آن توافقی فراگیر وجود داشته باشد. اگرچه بخشی از این مسئله به خاستگاه و چگونگی شکل‌گیری این انگاره و ویژگی‌های آن از ابتدا منسوب شده به آن باز می‌گردد (فلاح، ۱۳۹۰)، در عین حال "می‌توان فقدان و عدم بهره‌گیری از یک روش مناسب را یکی از مشکلات اصلی در مطالعه شهر اسلامی و تبیین مولفه‌ها و ویژگی‌های آن برشمرد" (بابائی و دیگران، ۱۳۹۶: ۸). در این میان بررسی مناسب روش نظریه زمینه‌ای و خوانش‌های گوناگون آن، به ویژه روش تحلیل ابعاد، به مثابه روشی برای پژوهش درباره شهر اسلامی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

چنان که در قسمت اول مقاله ذکر شد هدف تحلیل ابعاد واکاوی شیوه‌های متعددی است که مفهوم، پدیده یا موقعیت مورد بررسی، بر ساخته شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد (Squires, 2004: 274)، بر اساس این، مقاله در ادامه در پی تحلیل ابعاد و ویژگی‌های شهر اسلامی در اندیشه متفکران و اندیشمندان گوناگونی است که در این عرصه به پژوهش و نظریه‌پردازی اقدام کرده‌اند. تحلیل و تفسیر انگاره شهر اسلامی بخشی جدایی‌ناپذیر از تلاش‌ها برای بهره‌گیری از ارزش‌ها و اصول اسلامی در شهرسازی و معماری است، از این رو دیدگاه‌های مختلف در این عرصه به نوعی از درک و دریافت حرفه‌مندان، متخصصان و اندیشمندان این حوزه در خصوص انگاره شهر اسلامی، ابعاد و ویژگی‌های آن، وجود یا عدم وجود آن تاثیر پذیرفته است. بر اساس این و با بهره‌گیری از روش تحلیل ابعاد، مقاله در پی پاسخ به این سوال است که: انگاره شهر اسلامی نزد اندیشمندان و پژوهشگران مختلف (و در واقع در روایت‌های گوناگون ارائه شده توسط آن‌ها) چگونه تفسیر شده و بر ساخت این مفهوم چگونه به دست داده شده است؟ بهره‌گیری از تحلیل ابعاد، ویژگی‌ها، ابعاد و محدودیت‌های دیدگاه‌های گوناگون را آشکار ساخته و خصوصیات هر یک را تبیین می‌نماید. به این منظور از متون و روایت‌های مختلف در خصوص شهر اسلامی برای تبیین ابعاد و ویژگی‌های این انگاره بهره‌گرفته شده است. انتخاب این روایت‌ها با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری انجام شده است. در این فرایند ابتدا فهرستی خلاصه از ابعاد بر ساخت شهر اسلامی در متون مورد بررسی شناسایی شدند. این فهرست به جای تمرکز

ابعاد گوناگون آن پیشامد هستند. این ابعاد در هر موقعیت خاص به جنبه‌های گوناگون و پیچیدگی‌های موضوع اشاره دارند. نام‌گذاری یا تخصیص این ابعاد به لحاظ مفهومی امکان‌تامل و گفتگو در خصوص پیشامدها را مهیا می‌سازد. بر این اساس می‌توان گفت عمل تخصیص، یک پیشامد خاص را به بازنمایی انتزاعی تر پیشامد مبدل می‌سازد (Robercht, 1995: 173). بر این اساس مدل ارائه شده در قالب ماتریس تبیینی فرایندهای تحلیلی انجام شده توسط پژوهشگر را تشریح و تبیین‌های منتج از این فرایند را بازنمایی می‌کند. صورت انتزاعی ماتریس تبیینی در شکل ۳ ارائه شده است. فرآورده نهایی این سنتز یک نظریه زمینه‌ای است که "به داستان مورد نظر در خصوص پدیده یا موقعیت مورد بررسی شکل تبیینی و نظری می‌دهد، چیزی که در غیر این صورت، در بهترین حالت، می‌تواند تنها یک توصیف خوب باشد" (Schatzman, 1991: 313).



شکل شماره ۳: ماتریس تبیینی؛ مأخذ: Robercht, 1995: 174

در این مرحله حجم محدودی از داده‌ها با هدف به چالش کشیدن و تعیین اعتبار نظریه در حال ظهور گردآوری و تحلیل می‌شوند. افزون بر آن، ادامه گفت و گوهایی درونی پژوهشگر با خود در قالب یادداشت‌های تحلیلی^۱ - که در سایر مراحل نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند - و همچنین گفتگوهای انجام شده با هم‌تایان به عنوان ابزاری برای تأیید اعتبار نظریه استفاده می‌شود (Kools et al., 1996: 328). هنگامی که اشباع الگوها و تخصیص‌ها و غنای ارتباطات مفهومی به میزان قابل قبولی رسید، فرایند خلق نظریه کامل شده است و داستان به عنوان خروجی این فرایند بازسازی شده است. بدین ترتیب برآیند و خروجی تحلیل ابعاد بر ساخت یا بازسازی جدیدی از یک داستان یا نظریه است که یک پدیده یا موقعیت مورد بررسی را به تصویر می‌کشد. تحلیل ابعاد با سازماندهی و طبقه‌بندی لایه‌های متعدد از ابعاد مرتبط مشاهده شده در داده‌ها، و سپس سازماندهی و تفسیر آن‌ها بر اساس چشم‌انداز کلیدی به خلق نظریه اقدام می‌کند (McCarthy et al., 2004: 954).

بر ویژگی‌ها، پیشامدها و اقدامات خاص در پی شناسایی ابعادی است که کیفیت‌ها را نه بر اساس نمونه‌های خاص، بلکه بر پایه کیفیت‌های عام صورت‌بندی نماید. شش بعد اصلی در متون و روایت‌های مورد بررسی به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱. **ارکان و عوامل شکل‌دهنده شهر اسلامی:** نظرات مختلفی برای معرفی اجزای شهر یا عوامل شکل‌دهنده شهر مطرح شده‌اند از جمله «انسان، محیط و فرهنگ»، «انسان و فعالیت‌ها و فرهنگ»، «کار، مسکن، تفریح و حرکت» و «مجموعه‌ای از نهادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی». اگرچه هر یک از مقوله‌های کالبد و فعالیت واجد جنبه‌های مختلف معنوی و مادی یا صورت و معنا هستند (نقی زاده، ۱۳۸۷: ۴۵) اما بررسی متون مربوطه نشان می‌دهد در میان ارکان و عوامل شکل‌دهنده شهر، انسان اصلی‌ترین عنصر در ظهور شهر اسلامی دانسته شده است. به بیان دیگر قلمروهای اصلی شکل‌دهنده شهر اسلامی وابسته به انسان قلمداد شده است و مطابق آن وجوه مختلفی برای مولفه‌ها و اجزای سازنده شهر اسلامی، به عنوان ویژگی‌های بعد حاضر، برشمرده شده است که عبارتند از: (۱) وجه فکری و اعتقادی انسان؛ (۲) وجه فرهنگی و اخلاقی و رفتاری و عملی؛ (۳) وجه کالبدی که حاصل عمل انسانی و فضای رفتارها و تجلیگاه باورهای اوست.

۲. **ماهیت شهر اسلامی:** این بعد ماهیت و چیستی شهر اسلامی را مورد توجه قرار می‌دهد. دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه در متون مربوطه قابل شناسایی است (ابراهیمی، ۱۳۷۵؛ داوری اردکانی، ۱۳۷۵؛ احمدی دیسفانی و همکاران، ۱۳۹۰؛ موحد و همکاران، ۱۳۹۱) که می‌توان آن‌ها را به این ترتیب به عنوان ویژگی‌های این بعد برشمرد: (۱) واقعیت: شهر اسلامی به مثابه موجودیتی در قلمروی جغرافیایی زیست و حکومت مسلمانان؛ (۲) تاریخی: شهرهای تاریخی-سنتی که اکثریت ساکنان آن مسلمان بوده و بنابر آداب، مراسم و مناسک دین اسلام زندگی می‌کرده‌اند؛ (۳) کالبدی: وجود عناصر کالبدی مشخص، شامل مسجد، بازار، محله و حمام، در یک شهر معرف آن به عنوان شهری اسلامی می‌گردد؛ (۴) فراکالبدی: شهر اسلامی نه بر اساس شکل و ظاهر که بر اساس باطن و محتوا یعنی نظامات و مناسباتی تعریف می‌شود که اساس فلسفه ساخت شهر را تشکیل می‌دهند؛ (۵) آرمانی: شهر اسلامی، شهری آرمانی است که ویژگی‌های آن در آرای فلاسفه و اندیشمندان مسلمان توصیف شده است.

۳. **منشا ارزش‌ها:** این بعد منابع و مراجع مختلف در شکل‌گیری و توصیف شهر اسلامی را تشریح می‌نماید و می‌توان دامنه‌ای از منابع مختلف را به عنوان ویژگی‌های آن برشمرد:

(۱) قرآن و متون اسلامی: ماهیت، ویژگی‌ها و چیستی شهر اسلامی بر مبنای قرآن و روایات و احادیث مختلف قابل شناسایی است؛ (۲) تمدن: سیمای شهر اسلامی و ویژگی‌های آن آینه‌ای است از مظاهر تمدن اسلامی؛

(۳) تناظر با انسان: انسان هدف شهر اسلامی است و به تبع ابعاد وجودی انسان - روح و جسم - شهر اسلامی متناسب با انسان

مسلمان و نیازهای جسمانی و روحانی او شکل می‌گیرد.

۴. **تفکیک شناخت‌شناسی شهر:** شهر نوع خاصی از سازمان یافتگی زندگی اجتماعی در انطباق با فضا است (فکوھی، ۱۳۸۷: ۲۸). بر این اساس این بعد مهم‌ترین مولفه‌های مطرح شده در خصوص شهر را مورد توجه قرار می‌دهد که عبارتند از: (۱) رویکرد سیاسی که شهر را به مثابه یک واقعیت حقوقی سیاسی تعریف می‌کند؛ (۲) رویکرد اقتصادی که در آن شهر به مثابه واقعیتی اقتصادی تعریف می‌شود؛ (۳) رویکرد جغرافیایی فضایی که در آن شهر به مثابه یک واقعیت جغرافیایی تعریف می‌شود؛ مفهوم جغرافیایی در اینجا مفهومی فضایی، کالبدی و در نهایت طبیعی است؛ (۴) رویکرد معناشناختی که در آن شهر به مثابه واقعیتی معنایی و نمادین تعریف می‌شود؛ (۵) رویکرد جامعه‌شناختی که شهر را به مثابه یک واقعیت اجتماعی بررسی می‌کند.

۵. **پیدایش و عملکرد شهر:** این بعد به عملکرد و پیدایش شهر می‌پردازد. آن چه که به تاسی از لینچ (Lynch: 1984) می‌توان آن را نظریه عملکردی نامید و بر این اساس دامنه‌ای از ویژگی‌های مختلف را می‌توان برای آن برشمرد: (۱) شهرها فرایندهای تاریخی خاص هستند؛ (۲) شهرها اکوسیستمی برای گروه‌های انسانی هستند؛ (۳) شهرها فضایی برای تولید و توزیع کالا هستند؛ (۴) شهرها حوزه عمل نیروهای مختلف هستند؛ (۵) شهرها نظامی از تصمیمات مرتبط هستند؛ (۶) شهرها عرصه‌های تضاد هستند.

۶. **مشکله شهر اسلامی:** مشکله به معنای معضل یا مشکلی است که تنها یک راه‌حل ندارد بلکه می‌توان برای برون رفت از گره و مسئله راه‌حل‌های متعددی را برای آن متصور شد (رجایی، ۱۳۹۲). بر اساس این بعد، شهر اسلامی در زمره معضلات و مشکلاتی است که تنها به یک وجه نمی‌توان آن را دریافت یا برای آن سامانی صورت‌بندی کرد، بلکه همواره و همه‌جا چندلایه و متغیر است. این بعد ناظر به همین چندلایگی و تنوع است و می‌توان آن را فلسفه فراگیر در خصوص شهر اسلامی نیز نامید.

در این مرحله و پس از دستیابی به یک توده بحرانی از ابعاد شامل شش بعد اشاره شده - به انتخاب چشم‌انداز و سازماندهی ابعاد مختلف در قالب چارچوبی تبیینی پرداخته می‌شود. از آنجا که نوع دریافت از مشکله شهر اسلامی یا فلسفه فراگیر در مواجهه با شهر اسلامی به درک و شناخت فراگیر شهر اسلامی و ویژگی‌ها و خصوصیات آن کمک می‌کند و از دریچه آن می‌توان به سایر ابعاد نگریست، در اینجا «مشکله شهر اسلامی» به عنوان بعد مرکزی یا چشم‌انداز برگزیده شد. بر اساس این، مدل‌ها و الگوهای شناسایی شده زیر به عنوان ابعاد و زیر ابعاد تشکیل دهنده چارچوب تبیینی مشتمل بر بستر، شرایط، فرایندها و پیامدها تشریح می‌شوند:

۱. **مدل سکونتگاه (نه شهر) اسلامی:** این مدل بر اساس تجربه شهرنشینی در تاریخ اروپا سازمان‌یافته و روند شهر پژوهی در جوامع اسلامی را بر اساس الگویی اروپایی از شهر سامان داده است؛ الگویی که به نوعی بازتاب برخی جریان‌ها و شاخص‌های

شهرگرایی، شهرنشینی و شهرسازی در اروپا است. بر این اساس، در این مدل آنچه از آن به عنوان شهر اسلامی یاد می‌شود با معیارها و ویژگی‌های شهر در مفهوم اروپایی آن مقایسه شده و چون این معیارها در شهرهای جوامع اسلامی دیده نمی‌شوند، نتیجه گرفته می‌شود که در واقع نه شهر، بلکه گونه خاصی از زندگی شهری و سکونت‌گاه‌های شهری منظور نظر می‌باشد. سکونت‌گاه‌هایی عاری از هویت مستقل و فاقد نهادهای مدنی، مقررات توسعه یافته زندگی شهری، اندیشه شهروندی و سایر شاخص‌های مشابه (یوسفی‌فر، ۱۳۸۲). بدین ترتیب در این مدل اطلاق تعبیر شهر اسلامی به مجتمع‌های زیستی مسلمانان با این پیش‌فرض همراه است که این سکونت‌گاه‌ها از نظر کالبدی، تجلی خاصی از اصول و ارزش‌های اسلامی هستند (نقی‌زاده، ۱۳۹۰) و بدین ترتیب نه تنها با شهرهای سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها متمایزند بلکه به علت فقدان مولفه‌های تعریف‌کننده شهر، اصولاً با مفهوم مورد قبول از شهر نیز در تعارضند و بیش از آنکه «شهر» اسلامی باشند، «سکونت‌گاه» اسلامی هستند.

۲. مدل شهر بی‌زمان: این مدل بر باطن شهر اسلامی، یعنی نظامات و مناسباتی که اساس فلسفه ساخت شهر را تشکیل می‌دهند متمرکز است، نه بر شکل، ظاهر و ساخت آن. بدین ترتیب تلقی این مدل از شهر اسلامی، نه خوانشی تاریخی است و نه معمارانه و شهرسازانه، بلکه خوانشی است که بر ارزش‌های دینی مبین‌پاکی و بهزیستی، سلامت و امنیت و شکوفایی سامان یافته است (نوحی، ۱۳۸۸). مدل شهر بی‌زمان استدلال می‌کند که از آنجا که در تفکر اسلامی، انسان به عنوان جانشین خداوند بر روی زمین معرفی شده است، اصول حاکم بر اعمال و آثار انسانی هم باید رنگ و صبغه اصول مترتب بر فعل الهی را داشته باشد. با ایتنا به این پیش‌فرض، این مدل به حضور و بروز برخی از صفات فعل الهی شامل: وحدت، تعادل، زیبایی، نظم، هماهنگی، توازن، اندازه، حد، هدایت، سلسله‌مراتب، تسبیح، حق‌بودن، کرم، احسان، عدم خلق به بطالت، عدم خلق به بازی (نقی‌زاده، ۱۳۹۰) در فرایند طراحی و برنامه‌ریزی محیط به عنوان یکی از مهم‌ترین فرآورده‌های فعل انسان ضرورت می‌بخشد. بر اساس این مدل برخی ویژگی‌های شهر اسلامی به این ترتیب معرفی شده است: امنیت، عدالت، جاودانگی، به‌هم‌پیوستگی از درون، تغییر مداوم و خلق جدید، جمع‌گرایی، توجه به طبیعت و انسجام، ارتباط بین اجزا و اجزا با کل.

۳. مدل کالبدی: تعریف شهر اسلامی در این مدل بر اساس مشخصه‌ها و مولفه‌های کالبدی استوار است و مطابق آن، وجود برخی عناصر و ویژگی‌های کالبدی در شهر نشان از سکونت، تجارت و عبادت امتی اسلامی در شهر داشته و به طور کلی شهری اسلامی را در پهنه نفوذ خود به ذهن متبادر می‌سازد (موحد و دیگران، ۱۳۹۱). بدین ترتیب پیش‌فرض مدل کالبدی این است که در سیمای شهرهای اسلامی عناصری بر گرفته از آئین مقدس اسلام حضور دارند. به بیان دیگر، شهر اسلامی بر

اساس آن دسته عناصر کالبدی تعریف می‌شود که از فرهنگ غنی اسلام برگرفته شده‌اند (میرمحمدی، ۱۳۷۵). این مدل بر این باور است که با وجود تمامی گوناگونی‌ها و تمایزات ناشی از عوامل طبیعی، جغرافیایی، فرهنگی و غیره، شهر اسلامی ملهم از اقتضائات ایمانی واحد و معیارها و قوانین زندگی حاکم بر آن، شکل منسجمی از سازمان فضایی - کالبدی و عناصر و مولفه‌های کالبدی مشخصی را به دست می‌دهد که آن را از سایر شهرها و سکونت‌گاه‌ها متمایز می‌سازد.

۴. مدل شهر مسلمانان: این مدل انسان را هدف شهر اسلامی دانسته و بر این اندیشه استوار است که میان انسان مسلمان و شهر اسلامی هماهنگی و هم‌ساختی برقرار است. به این اعتبار، به تبعیت از ابعاد گوناگون وجودی انسان - روح و جسم - شهر اسلامی متناسب با انسان و نیازهای جسمانی و روحانی او شکل می‌گیرد (احمدی‌دیسفانی و علی‌آبادی، ۱۳۹۰). با این پیش‌فرض در مدل شهر مسلمانان، انسان‌ها در شهر اسلامی، مهم‌ترین اجزا و اعضای شهر هستند و از این رو کالبد شهر اسلامی (ظرف) بر اساس و به تبعیت از مردم (مظروف) شکل می‌گیرد. اگر عالم دینی رو نماید، بنای شهر و خانه دینی می‌شود (داوری اردکانی، ۱۳۷۵). از این رو شهر اسلامی در این مدل دارای شکل خاصی نیست، یعنی نمی‌توان در قالب شکلی خاص و با دستورالعمل‌هایی مشخص، شهر را اسلامی نمود بلکه پدید آمدن شهر اسلامی و سبک و شیوه آن مرهون نحوه سکنی‌گزیدن ساکنان آن بوده و با این نحوه سکنی‌گزیدن انطباق پیدا می‌کند.

۵. مدل تمدن اسلامی: در این مدل، شهر اسلامی شهری است که در آن مظاهر تمدن اسلامی نمود یافته و دارای هویت خاص فضایی، فرهنگی و تاریخی می‌شود (خدایی و تقوایی، ۱۳۹۰). مدل تمدن اسلامی بر این باور است که ویژگی‌های شهر اسلامی از دین اسلام و از قرآن و سنت نشأت گرفته است. با وجود این استدلال می‌کند که رجوع به اصیل‌ترین متون و منابع دست اول دینی بیانگر این است که دین اسلام به طور مستقیم به شهرسازی و معماری و الگوی خاصی برای آن توجه کمی معطوف داشته است (افشارنادری، ۱۳۷۵). بدین ترتیب پیش‌فرض این مدل آن است که سیمای جغرافیایی شهرهای دنیای اسلام مظاهر تمدن اسلامی را بازنمایی می‌کند (میرمحمدی، ۱۳۷۵). بر این اساس شهر اسلامی به آن دسته از مراکز جمعیت شهری اطلاق می‌شود که در آن مظاهر تمدن اسلامی حضوری ملموس و قابل مشاهده داشته است (ابراهیمی، ۱۳۷۵) و هویت معماری و شهرسازی آن از اسلام به عنوان تمدن - یعنی دستاورد و تولید فرهنگی مدل مسلمانان - متأثر است.

۶. مدل شهر قلمرو مسلمانان: مطابق این مدل ارتباط معناداری میان شهر و فرهنگ و دین ساکنان آن وجود ندارد و بر این اساس گرچه در قلمروی مسلمانان با تعاریف گوناگونی که برای آن ارائه شده است (از وجود اکثریت جمعیت مسلمان تا حضور حکومت‌های اسلامی) همواره سکونت‌گاه‌های شهری وجود

4. Natural analysis
5. Perspective
6. Dimensionalization
7. Differentiation
8. Integration/reintegration
9. Critical mass
10. Memo
11. Problematique

فهرست منابع و مراجع

۱. ابراهیمی، محمدحسن، (۱۳۷۵)، «مدخل بحث درباره شهر اسلامی»، **مجله آبادی**، س ۶، ش ۲۲، ص ۱۹-۲۲.
۲. احمدی دیسفانی، یداله، و علی آبادی، محمد، (۱۳۹۰)، «کنکاشی در باب شکل شهر سنتی از منظر اندیشه اسلامی»، **باغ نظر**، س ۸، ش ۱۹، ص ۱۷-۳۰.
۳. افشار نادری، کامران، (۱۳۷۵)، «مشترکات شهرسازی جهان اسلام»، **مجله آبادی**، س ۶، ش ۲۲، ص ۴۶-۵۳.
۴. بابائی، احسان، مسعود، محمد، زمانی، بهادر، و ربیعی، کامران (۱۳۹۶)، «تحلیل موقعیت به مثابه روشی برای پژوهش در خصوص شهر اسلامی»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، س ۷، ش ۲۷، ص ۱۷-۲۸.
۵. خدایی، زهرا، و تقوایی، علی اکبر، (۱۳۹۰)، «شخصیت شناسی شهر اسلامی؛ با تأکید بر ابعاد کالبدی شهر»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، ش ۴، ص ۱۱۳-۱۰۳.
۶. داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۵)، «ملاحظات دربار طر ح مدینه اسلامی»، **مجله آبادی**، س ۶، ش ۲۲، ص ۴-۱۱.
۷. رجایی، فرهنگ (۱۳۹۲)، **مشکله هویت ایرانیان امروز**، نشر نی، تهران.
۸. فکوهی، ناصر (۱۳۸۷)، **انسان شناسی شهری**، نشر نی، تهران.
۹. فلاحت، سمیه، (۱۳۹۰)، «برساخت مفهوم شهر اسلامی»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، ش ۳، ص ۳۵-۴۵.
۱۰. موحّد، علی، شمعی، علی، و زنگانه، ابوالفضل، (۱۳۹۱)، «بازشناسی هویت کالبدی در شهرهای اسلامی (مطالعه موردی: شهر ری)»، **برنامه ریزی منطقه ای**، ش ۵، ص ۳۷-۵۲.
۱۱. میرمحمدی، حمیدرضا، (۱۳۷۵)، «اسیما و بافت شهرهای اسلامی»، **مشکوّه**، ش ۵۳، ص ۱۷۸-۱۸۹.
۱۲. نقی زاده، محمد (۱۳۸۷)، **شهر و معماری اسلامی**، انتشارات مانی، اصفهان.
۱۳. نقی زاده، محمد، (۱۳۹۰)، «ریشه های شهر اسلامی در متون اسلامی»، **کتاب ماه هنر**، ش ۱۵۵، ص ۱۲-۲۶.
۱۴. نوحی، حمید، (۱۳۸۸)، **شهر اسلامی از واقعیت تاریخی، نوستالژی مدنی و اتوپیا تا حقیقت دینی**، تأملات در هنر و معماری، گنج هنر، تهران، ص ۳۰۰-۲۶۱.
۱۵. یوسفی فر، شهرام، (۱۳۸۲)، «تاریخ شهر و شهرنشینی در جوامع اسلامی»، **کتاب ماه تاریخ و جغرافیا**، ش ۷۴، ص ۴۲-۵۱.
16. Allen, Natalie & Davey, Mark. (2017). "The value of constructivist grounded theory for built environment researchers", *Journal of Planning Education and Research*, 0739456X17695195.
17. Blumer, Herbert. (1969). *Symbolic interactionism: Perspective and method*, University of California Press.
18. Bollo, C. & Collins, T. (2017). "The power of words:

داشته اند اما این شهرها ارتباط مشخص و سازمان یافته ای با اسلام به عنوان یک مذهب نداشته اند. این مدل بر این پیش فرض استوار است که گرچه برخی مفاهیم مرتبط با حیات شهری همچون سلسله مراتب، قدرت و ایده های مرتبط با نظم سیاسی و اقتصادی می توانند در یک مقایسه میان فرهنگی پاسخگو باشند، اما مقوله شهر را نمی توان در این میان جای داد و بدین ترتیب این مدل نقش شهر به عنوان عنصری زیست پذیر در مقایسه میان فرهنگی را انکار می کند. پیرو این نگاه، مدل شهر قلمروی مسلمانان در توصیف شهر اسلامی، سعی در اتصاف صفاتی جغرافیایی/ تاریخی/قومی به آن داشته و عبارتهایی مانند شهر ایرانی اسلامی، شهر عربی اسلامی، شهر مدیترانه ای و غیره را به عنوان جایگزین آن پیشنهاد کرده است.

نتیجه گیری

در دهه های اخیر پژوهش های شهری به صورت فزاینده ای به سوی رویکردهای تفسیری متمایل شده اند، هر چند رویکرد اثبات گرا همچنان جایگاه مسلط خود را در عرصه پژوهش های شهری حفظ نموده است. در مقاله حاضر روش تحلیل ابعاد به مثابه یکی از خوانش های راهبرد نظریه زمینه ای که از مهمترین راهبردهای رویکرد تفسیرگراست مورد بررسی قرار گرفت و نمونه ای از کاربری آن برای پژوهش در خصوص شهر اسلامی ارائه شد. تحلیل ابعاد به واسطه توجه به «همه» آنچه در پدیده یا موقعیت مورد بررسی دخیل است؛ توجه به ابعاد و وجوه گوناگون پدیده و موقعیت مورد بررسی تا رسیدن به توده بحرانی، به گونه ای که استمرار فرایند بعد جدیدی به دست ندهد؛ دسته بندی ابعاد و انتخاب بعد مرکزی (چشم انداز)؛ تبیین و تشریح الگو و ارتباطات میان ابعاد، امکانات مناسبی را برای پژوهش در این عرصه به دست می دهد. در این پژوهش ضمن تبیین مبانی و مراحل و تأکید بر سودمندی روش تحلیل ابعاد برای پژوهش، با کاربری این روش به عنوان نمونه در واکاوی انگاره شهر اسلامی مبتنی بر متون و روایت های اندیشمندان، توده بحرانی شامل شش بعد اصلی زیر، نماینده ابعاد شهر اسلامی شناسایی شد: ارکان و عوامل شکل دهنده شهر اسلامی؛ ماهیت شهر اسلامی؛ منشا ارزش ها؛ تفکیک شناخت شناسی شهر؛ پیدایش و عملکرد شهر؛ و مشکله شهر اسلامی که از این میان بُعد مشکله شهر اسلامی به عنوان بُعد مرکزی به درک و شناخت فراگیر ابعاد و زیر ابعاد مشتمل بر ویژگی های شهر اسلامی شامل سکونتگاه (نه شهر) اسلامی؛ شهر بی زمان؛ شهر واجد کالبد خاص؛ شهر مسلمانان؛ شهر حامل تمدن اسلامی؛ و شهر قلمرو مسلمانان کمک می نماید.

پی نوشت ها

1. Dimensional analysis
2. Leonard Schatzman
3. What all that is going on here.

- theory and leadership research: A critical realist perspective", *The leadership quarterly*, 22(1), 106-120.
38. Kools, Susan, McCarthy, Marianne, Durham, Roberta, & Robrecht, Linda (1996). "Dimensional analysis: Broadening the conception of grounded theory", *Qualitative Health Research*, 6(3), 312-330.
 39. Lee, Frederic S. (2015). *Critical Realism, Method of Grounded Theory, and Theory Construction*. Handbook of Research Methods and Applications in Heterodox Economics.
 40. Lynch, Kevin. (1984). *Good city form*, MIT press.
 41. Lyndon, Audrey. (2008). "Social and environmental conditions creating fluctuating agency for safety in two urban academic birth centers", *Journal of Obstetric, Gynecologic, & Neonatal Nursing*, 37(1), 13-23.
 42. McCarthy, Marianne (2003b). "Situated clinical reasoning: Distinguishing acute confusion from dementia in hospitalized older adults", *Research in Nursing & Health*, 26(2), 90-101.
 43. McCarthy, Marianne C. (2003a). "Detecting acute confusion in older adults: Comparing clinical reasoning of nurses working in acute, long-term, and community health care environments", *Research in Nursing & Health*, 26(3), 203-212.
 44. McCarthy, Marianne, Ruiz, E., Gale, B., Karam, C., & Moore, N. (2004). "The meaning of health: perspectives of Anglo and Latino older women", *Health Care for Women International*, 25(10), 950-969.
 45. McGrath, Moriah McSharry. (2013). *Neighboring in Strip City: A Situational Analysis of Strip Clubs, Land Use Conflict, and Occupational Health in Portland, Oregon*.
 46. Mills, Jane, Bonner, Ann, & Francis, Karen. (2006). "The development of constructivist grounded theory", *International Journal of Qualitative Methods*, 5(1), 25-35.
 47. Nordwall, Ulf, & Olofsson, Thomas. (2013). "Architectural caring. Architectural qualities from a residential property perspective", *Architectural Engineering and Design Management*, 9(1), 1-20.
 48. Oliver, Carolyn. (2011). "Critical realist grounded theory: A new approach for social work research", *British Journal of Social Work*, 42(2), 371-387.
 49. Pursley-Crotteau, Suzanne, McGuire Bunting, Sheila & Burke Draucker, Claire (2001), *grounded theory and hermeneutics: contradictory or complementary methods of nursing research*. In Schreiber, R. S., & Stern, P. N. (Eds.). *Using grounded theory in nursing*. Springer Publishing Company.
 50. Robrecht, Linda C. (1995). "Grounded theory: Evolving methods", *Qualitative Health Research*, 5(2), 169-177.
 51. Salin, Ossi, & Pessa, Kaija. (2017). "Open Minds, Open Spaces: Mind-Set Changes During Urban Walking", *Space and Culture*, 20(4), 385-398.
 52. Schatzman, Leonard. (1986). *The structure of qualitative analysis*, Paper presented at the World Congress of Sociology: International Sociology Conference, Delhi, India.
 53. Schatzman, Leonard. (1991). "Dimensional analysis: Notes on an alternative approach to the grounding of theory in qualitative research", *Social organization*
 54. *Grounded theory research methods in architecture and design*". Paper presented at the meeting of Architecture of Complexity, ARCC 2017 Conference, Salt Lake City.
 19. Bonham, Jennifer, & Wilson, Anne. (2012). "Bicycling and the life course: The start-stop-start experiences of women cycling", *International Journal of Sustainable Transportation*, 6(4), 195-213.
 20. Bowers, Barbara, & Schatzman, Leonard. (2009). "Dimensional analysis", *Developing grounded theory: The second generation*, 86-126.
 21. Charmaz, Kathy. (2000). *Grounded theory: Objectivist and constructivist methods*. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *Handbook of qualitative research*, 2nd ed. (pp. 509-536). Thousand Oaks, CA: Sage.
 22. Charmaz, Kathy. (2006). *Constructing grounded theory*, London: Sage.
 23. Charmaz, Kathy. (2014). *Constructing grounded theory*, Sage.
 24. Clarke, Adele E., Friese, Carrie, & Washburn, Rachel S. (Eds.). (2016). *Situational analysis in practice: Mapping research with grounded theory (Vol. 1)*, Left Coast Press.
 25. Clarke, Adele E. (2005), *Situational analysis: Grounded theory after the postmodern turn*, Sage.
 26. Clarke, Adele E. (2007), *Grounded theory: Critiques, debates, and situational analysis*, *The Sage handbook of social science methodology*, 423-442.
 27. Clarke, Adele E., Friese, Carrie, & Washburn, Rachel S. (2018). *Situational analysis: grounded theory after the interpretive turn*, Sage Publications.
 28. Corbin, Juliet M., & Strauss, Anselm. (1990). "Grounded theory research: Procedures, canons, and evaluative criteria", *Qualitative Sociology*, 13(1), 3-21.
 29. Dunne, Ciarán. (2011). "The place of the literature review in grounded theory research", *International Journal of Social Research Methodology*, 14(2), 111-124.
 30. Faehnle, Maija, Bäcklund, Pia, Tyrväinen, Liisa, Niemelä, Jari, & Yli-Pelkonen, Vesa. (2014). "How can residents' experiences inform planning of urban green infrastructure? Case Finland.", *Landscape and Urban Planning*, 130, 171-183.
 31. Glaser, Barney G. (1992). *Emergence versus forcing: Basics of grounded theory analysis*. Mill Valley, CA: Sociology Press.
 32. Glaser, Barney G. and Strauss, Anselm (1967), *The Discovery of Grounded Theory*, Shicago: Adine Publishing Company.
 33. Glaser, Barney G. (1998). *Doing grounded theory: Issues and discussions*, Sociology Press.
 34. Glaser, Barney G. (2001). *The grounded theory perspective: Conceptualization contrasted with description*, Sociology Press.
 35. Glaser, Barney G. (2007). *Doing formal grounded theory: A proposal*, Sociology Press.
 36. Jacobson, N. (2001). "Experiencing recovery: A dimensional analysis of recovery narratives", *Psychiatric Rehabilitation Journal*, 24(3), 248.
 37. Kempster, Stephen, & Parry, Ken W. (2011). "Grounded

- and social process: Essays in honor of Anselm Strauss, 303-314.
54. Shankar, Avi, & Goulding, Christina. (2001). "Interpretive consumer research: two more contributions to theory and practice", *Qualitative Market Research: An International Journal*, 4(1), 7-16.
55. Simeone, Luca, Secundo, Giustina, & Schiuma, Giovanni . (2017). "Adopting a design approach to translate needs and interests of stakeholders in academic entrepreneurship: The MIT Senseable City Lab case", *Technovation*, 64, 58-67.
56. Squires, Allison. (2004). "A dimensional analysis of role enactment of acute care nurses", *Journal of Nursing Scholarship*, 36(3), 272-278.
57. Strauss, A. L. & Corbin, Juliet. (1990). *The basics of qualitative analysis: Grounded theory procedures and techniques*. Thousand Oaks, CA: Sage.
58. Strauss, Anselm Leonard (1993), *Continual permutations of action*, AldineTransaction.
59. Strauss, Anselm Leonard, & Corbin, Juliet. (1998). *Basics of qualitative research: Procedures and techniques for developing grounded theory*.
60. Suddaby, Roy. (2006). "From the editors: What grounded theory is not", *Academy of Management Journal*, 49(4), 633-642.
61. Thompson, S. (2006). "The quest for hurtful environments: a qualitative researcher's journey", *Urban Policy and Research*, 24(1), 17-38.
62. Wamsler, Christine. (2016). "From Risk Governance to City-Citizen Collaboration: Capitalizing on individual adaptation to climate change", *Environmental Policy and Governance*, 26(3), 184-204.

Dimensional analysis as a method in research on Islamic city

Bahador Zamani

Associate Prof., Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Iran

Ehsan Babaei Salanghooch *(Corresponding Author)

Ph.D in Islamic Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Iran

* E-Mail: ehsanbabaeisal@gmail.com

Abstract:

The applicability of the qualitative research system and its specific strategies namely grounded theory is worth considering for contributing to the knowledge with the valid scientific theories and doctrines in order to raise the level of awareness and to help predict and solve the existing problems of the urbanity and urban planning particularly in Islamic contexts. Grounded theory as one of the strategies of qualitative method has been developed with various readings in recent decades. Dimensional analysis as one of the readings of the grounded theory, being devised by Schutzman has been applied in various scientific disciplines; however, this method has been less used in urban research. This paper demonstrates the capabilities of this method for research in general and Islamic city research in particular. Accordingly, two questions are asked: What is the process and capability of the dimensional analysis method? To what extent is this method applicable to Islamic city research? The paper is organized into two main sections. In the first section, the background, philosophical foundations and theoretical underpinnings and steps of the dimensional analysis method are discussed taking into consideration the possibilities and capabilities of this method for research. In the second part of the paper, this method is used for a sample study in Islamic urban context. In this section, the concept of Islamic city has been studied by various scholars scrutinizing the various dimensions and methods used to construct this concept and provide an explanatory framework in this regard. The results of this section come up with six distinct models of Islamic city in related texts and narratives, including Islamic habitat (not city) model; timeless city model; physical model; Muslims' city model; Islamic civilization model; and city-in-Muslims' territory model. The findings of this study not only emphasize the advantages and usefulness of dimensional analysis for urban research, but it also implies that any use of this method –such as any other quantitative and qualitative methods – requires its own related ontological and epistemological considerations and adaptation in line with the research details particularly its aim/s and question/s.

Keywords: Qualitative Method, Grounded Theory, Dimensional Analysis, Islamic City.